

## کارگران ایران علیه لایحه اصلاحیه قانون کار متحد شوید

اینکه لایحه اصلاحیه قانون کار در دولت تدبیر و امید، در سکوت خبری و بی آن که رسماً اعلام شود، به مجلس فرستاده شد و مفاد آن از مجاری غیر رسمی و ابتدا به صورت حدس و گمان مطرح و سپس، تا حدودی افشا شده است، به چه معناست؟ دولت حسن روحانی با سابقه فعالیت های امنیتی به خوبی می داند که ایجاد بلوای تبلیغاتی تنها به درد هیچ کاری نکردن می خورد و اگر قرار باشد ضربه ای سنگین به طبقه کارگر را ترتیب دهد همان سکوت، پنهان کاری و زیر-زیرکی رفتن را انتخاب می کند. و به این ترتیب وضعیت را پدید می آورد که در آن قادر است واکنش های اولیه را سنجیده و برنامه منسجم تری را ارائه دهد. دولت یازدهم برای خوش خدمتی به کارفرمایان، تاجران، تاراجگران و دلال ها کاری کرده است کارستان. مجموعه نخبگان حقوق و اقتصاد دولت تدبیر و امید نظام حقوقی جدیدی را تدوین کرده اند. آنها قانون کار را اصلاح کرده اند! - به این ترتیب دینشان را به اصلاحات ادا کرده اند- در تمام سال های پس از جنگ و پس از فاصله گرفتن از وضعیت انقلابی، همه دولت ها و مجالس شورای اسلامی حملاتی به قانون کار را ترتیب دادند و موفق به وارد کردن ضرباتی به منافع کارگران و حقوق عمومی نیروی کار شدند. هاشمی، خاتمی و احمدی نژاد هر یک سهمی در این حملات دارند. اما دولت روحانی که محصول نهایی تمام تضادهای جناحی در جمهوری اسلامی است، قصد دارد نشان افتخار را نصیب خود کند. دولت با به تصویب رساندن لایحه اصلاحیه قانون کار، تمام آن شرایطی را که تا کنون سرمایه داری از طریق قانون شکنی و شارلاتانیسم به نیروی کار تحمیل نموده قانونی می کند.

### چهار محور اساسی

۱. دولت بدون نظر خواهی از تشکل ها و بدون دخالت دادن نمایندگان کارگری اقدام به تغییر قانون کار کرده است. این اقدام نخست به معنای آن است که دولت یازدهم حاضر است آشکارا و به کرات اعلام کند که هیچ یک از تشکل های کارگری را در تعیین سرنوشت طبقه کارگر به رسمیت نمی شناسد

و برای نمایندگان آن هیچ حقی قائل نیست - هرچند این نمایندگان شورای اسلامی کار، خانه کارگر یا هر تشکل کارگری فرمایشی و نیم بند دیگری باشند - و سپس سعی می کند تشکل ها، سندیکاها، اتحادیه ها و کمیته های مستقل و حقیقی کارگری را به کلی از دور خارج کرده و گروه اول - یعنی تشکل های فرمایشی - را به جایگاه منتقد رسمی و تنها رقیب فرا رویاند. به این ترتیب دولت از طریق مکانیسم تدوین قانون کار جدید، اولاً جامعه مدنی را نفی می کند و ثانیاً ساختار ضد دموکراتیک و اقتدارطلبانه ای را نهادینه می کند که قادر است بیش از پیش سرکوبگر و تبعیض گرا باشد.

۲. اصلاح ماده ۷ با شفاهی سازی قراردادهای کار، حمله ای جدی به دستاوردهای تاریخی طبقه کارگر؛ ساعت کار، مرخصی، بیمه، تعطیلات و... خواهد بود. میل ارتجاعی دولت به استعمار افسار گسیخته، بازگشت به قرون وسطا و شرایط کار برده وار!

۳. اصلاح ماده ۲۱ شرایط اخراج کارگران را ساده می کند. (بند ح - کاهش تولید و تغییرات ساختاری که در اثر الزام قوانین و مقررات یا شرایط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و یا لزوم تغییرات گسترده در فن آوری منجر به تعطیلی تمام و یا بخشی از کار شود).

اخراج نیروی کار در چنین شرایطی اصولاً از نوع اخراج دسته جمعی خواهد بود. این فرایند از یکسو به بهره کشی بیشتر از کارگران باقی مانده در وضعیت شاغل و از سوی دیگر به پدید آمدن شرایط لازم و کافی برای اخراج کارگران معترض و فعالین سندیکایی از محیط های کار یاری می رساند.

ایده اخراج کارگر در شرایط کاهش تولید ادای احترامی ست به اقتصاد سیاسی دانان سرمایه داری.

۴. تعیین حداقل دستمزد: ماده ۴۱ قانون کار ناظر بر شکل تعیین حداقل دستمزد است. مقوله ای که مستقیماً به کیفیت زندگی طبقه کارگر مربوط می شود. - یعنی وضعیت معیشتی نزدیک به ۵۰ میلیون نفر از مردم کشور- و گسترده ترین زمینه را برای اتحاد کارگران در مبارزه سندیکایی فراهم می کند. چانه زنی بر سر قیمت تنها کالایی که کارگران برای مبادله در بازار دارند: نیروی کارشان. لایحه با حذف امکان دخالت کارگران، بدون توجه به درصد تورمی و بدون توجه به خط فقر حق تعیین حداقل دستمزد را به کارفرما می دهد. کارفرما که همان مالک وسایل تولید سرمایه داری و خریدار نیروی کار کارگران است، خود تعیین کننده قیمت این کالا می شود. نیوغ اقتصادی دولت روحانی اینچنین به منطق هار و سیری ناپذیر سرمایه داری خدمت می کند.

### نقش و وظایف ما

لایحه اصلاحیه قانون کار در شرایطی به سوی اخذ رای از مجلس شورای اسلامی می رود که بیش از نود درصد کارگران کشور از شمول قانون کار بیرون هستند و عملاً با وجود شرکت های پیمانکار تأمین نیروی انسانی و گسترش یابی مناطق آزاد اقتصادی-تجاری، بیش از پنجاه درصد نیروهای مزدبگیر جامعه و طبقه کارگر امکان بهرمندی از حمایت های قانونی را ندارند. لایحه بیش و پیش از هرچیز، چراغ سبزی ست که دولت به سرمایه داری جهانی نشان می دهد تا به این بهانه تلاش خویش را جهت رفع موانع پیوستن به سازمان تجارت جهانی و حراج

نیروی کار ایران در بازار بین

المللی عیان کند.

در چنین شرایطی، آگاهی

تاریخی و منطق نقد

خرده کاری ایجاب

می کند که با

سازماندهی سراسری

کارگران ایران به مقابله با

تصویب این لایحه ارتجاعی

برخیزیم.



طرح از: گئورگه گروس